

تحلیلی بر شهرهای جدید به عنوان بخشی از مداخله دولت در شهرنشینی (با تأکید بر دوره پس از انقلاب اسلامی)

حمید آیتی^۱، محمد کمیلی^{۲*}

^۱ عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی
^۲ عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۵

چکیده

ایجاد شهرهای جدید، اقدامی در جهت تمرکززدایی از کلان‌شهرها و چاره‌ای در برابر معضلات پیچیده‌ای هم‌چون مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها، نیاز گسترده به مسکن، انتقال برخی از صنایع آلاینده و جلوگیری از شکل‌گیری شهرهای خودرو در منطقه شهری مادر شهر است. بدیهی است بخش خصوصی که فقط به دنبال سودآوری است، نه انگیزه ورود به چنین مقوله‌ای را دارد و نه این رسالت را در خود احساس می‌نماید. از همین رو، ورود دولت در شهرسازی امری اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، چنین مداخله‌ای، منشأ بروز کاستی‌ها و آسیب‌های بسیاری است. مهم‌ترین چالش مطرح در این زمینه، نگرستن به شهرهای جدید به مثابه خوابگاه‌های بزرگ، موقت، مهجور، مصنوعی و عاری از هویت و معنویت است که نقش سلیقه و خواست مردم در آن به شدت کم‌رنگ است. عدم رغبت مردم به سکونت در این شهرها و خالی از سکنه بودن برخی از آن‌ها، دقیقاً بازتابی از عدم توجه شهرسازان به برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اجتماعی، انسانی و نتیجه تأکید بر ایدئولوژی صنعت‌محور در تأسیس این شهرهاست. هدف اصلی این مقاله، بررسی میزان کامیابی دولت در امر شهرسازی‌های بعد از انقلاب، با روش توصیفی-تحلیلی است. نتایج حاصل نشان می‌دهد دولت در ساخت شهرهای جدید به نظر مردم در عرصه طراحی و هم‌چنین به کارگیری معیارهای فنی توجهی ننموده است.

واژگان کلیدی: شهرسازی، شهرهای جدید، مداخله دولت، جمعیت‌پذیری، مکان‌گزینی.

مقدمه

اگر چه مفهوم «دولت» به معنای امروزی آن، از قرن نوزدهم میلادی به بعد در ترمینولوژی حقوقی و سیاسی وارد گردید، اما اعمال قدرت و حاکمیت بر مردم از دیرباز حتی در اشکال ابتدایی آن وجود داشته است. چین، مصر، سرزمین بین‌النهرین، ایران باستان و دولت - شهرهای یونان کهن، از مصادیق حاکمیت‌هایی است که تا اندازه‌ای با مفهوم امروزی دولت نزدیک بوده است.

برای توجیه دخالت دولت‌ها در زندگی مردم دلایل گوناگونی را می‌توان برشمرد. نخست آن که در اقتصاد آزاد، اصل بر سودآوری است. بدیهی است در زندگی اجتماعی، اگر تمام خدمات به بخش غیرعمومی واگذار شود، گذران عمر برای بسیاری از اقشار و توده‌های مردم با فشار و تنگدستی و عسرت توأم می‌گردد و آن‌ها قربانی منفعت‌طلبی‌های بازار آزاد خواهد شد. از این رو، دولت، گاه با نادیده انگاشتن اصل حاکمیت قرار داده‌ها به یاری طرف ضعیف‌تر می‌شتابد.

دومین دلیل، ریشه در حقوق اساسی شهروندان دارد. حقوقی از جمله حق آموزش، بهداشت، مسکن، محیط زیست سالم و نظایر آن. هر آینه، بخش خصوصی از درک چنین رسالتی عاجز است و جز در صورت تأمین منافع سرشار مادی به آن نمی‌اندیشد.

دلیل دیگری که لزوم گستردگی عملیات و مداخله دولت را آشکار می‌کند، قبول مسئولیت او در برابر نسل‌های آینده است. اگر نسل کنونی به حال خویش رها شود، به این موضوع نخواهد پرداخت. مواردی از قبیل حفاظت از جنگل‌ها، محیط‌زیست، حیوانات، در این موضوع قرار می‌گیرند (نوری نائینی، ۱۳۷۱: ۴۲). علاوه بر آنچه گفته شد، پیشرفت‌های علمی، اختراعات و اکتشافات و رشد روز افزون جمعیت، دولت‌ها را وادار به انجام خدمات خاص و ورود در عرصه‌هایی کرده است تا نیازهای جدید را پاسخ گوید. براساس تحقیقات به عمل آمده از سوی سازمان ملل متحد، در هر ثانیه سه نفر و روزانه حدود ۲۵۰ هزار نفر به جمعیت جهان افزوده می‌شود. بر پایه همین تحقیقات، بیش از ۹۰ درصد رشد جمعیت در کشورهای رو به توسعه اتفاق می‌افتد که کشور ایران نیز جزئی از آن است.

زمانی، وظایف دولت از حدود مسائل مربوط به برقراری نظم عمومی، ایجاد امنیت و در نهایت تأمین بخشی از آزادی‌های فردی تجاوز نمی‌کرد. پس از جنگ جهانی دوم، دخالت دولت در قلمروهای اقتصادی و اجتماعی جایگزین عدم حضور کلی آن گردید. به تدریج افکار عمومی و نخبگان جامعه به خصلت اجتناب‌ناپذیر عملکرد دولت پی بردند و دریافتند که تنها دولت است که توان تضمین مناسب عدالت اجتماعی و مدیریت اقتصادی را دارد. لذا دخالت دستگاه‌های دولتی، حالت ارادی به خود گرفت و در متنوع‌ترین بخش‌ها ظاهر گردید. گاهی قدرت عمومی تنها به ترغیب یا جریمه کردن برخی از فعالیت‌های خصوصی اکتفا کرد؛ مثلاً با هزینه‌های عمومی سعی شد تا مؤسسه‌های خصوصی در شهرستان‌ها مستقر شوند و در امر ساختمان و مسکن سرمایه‌گذاری کنند. در پاره‌ای موارد، دولت به طور مستقیم دست به فعالیت‌های اقتصادی زد.

بعد از سال ۱۹۴۵ توسل به ملی کردن، زمینه پیدایش مؤسسه‌های اقتصادی عمومی را فراهم آورد تا در فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی اهتمام ورزند. در عمل، شمار قابل توجهی سازمان‌های نیمه عمومی یا عمومی به وجود آمدند تا به دولت امکان دهند که به هدف‌های مداخله‌جویانه خود نائل آید (دومیشل، ۱۳۷۶: ۴۶).

بی‌تردید شهرسازی یکی از مصادیق بارز مداخله دولت در زندگی مدرن و تعاملات با مردم است که اگر توجه به ضوابط و معیارهای متعدد و نیز نقش مردم در آن به درستی و با ظرافت مورد تأمل قرار نگیرد، منشأ خسارت‌ها و ضایعات فراوانی خواهد شد.

هدف اصلی این مقاله آن است که میزان کامیابی دولت را در امر شهرسازی‌های بعد از انقلاب مورد سنجش و بررسی قرار دهد. این مقاله ابتدا پیشینه تاریخی ایجاد شهرهای جدید را می‌کاود. آن‌گاه به گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شهرهای جدید در ایران می‌پردازد. در بخش‌های بعدی کاستی‌های فرهنگی - اجتماعی و فتنی احداث شهرهای جدید در دو محور جداگانه نقش مردم و عدم رعایت اصول کارشناسی و معیارهای فتنی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. بیان مسأله

شهرهای جدید به معنی سکونت‌گاه‌های از پیش اندیشیده و با طرح و برنامه مشخص قبلی (شهرسازی پیش از شهرنشینی) پدیده‌ای جدید در نظام شهری کشورهای دنیا محسوب می‌گردد. تاریخچه شهرهای جدید را می‌توان پس از انقلاب صنعتی و به طور دقیق‌تر بعد از جنگ جهانی دوم دانست. در واقع شهرهای جدید پس از جنگ جهانی دوم به عنوان الگویی برای کمک به حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و محیطی شهرهای بزرگ ایجاد شدند. این الگو، توزیع جمعیت و اشتغال را در کل فضای سرزمین ارائه داد.

بدین ترتیب، ایده شهر جدید با ابزار توسعه ناحیه‌ای به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت. این نظریه نه تنها در کشورهایی که به سرعت شهرنشین شدند، بلکه برای ایجاد قطب‌های رشد، سازمان‌دهی فضایی، جذب سرریزهای جمعیتی، کنترل رشد مادرشهرها، انتقال مراکز سیاسی - اداری، عدم تخریب زمین‌های کشاورزی، توسعه نواحی عقب مانده، تجدید ساخت شهرهای تخریب شده، یکپارچه‌سازی روستاها، ایجاد فضای مناسب برای اسکان کارگران بخش صنعت، تمرکززدایی، جلوگیری از رشد پایتخت‌ها، هویت علمی و توزیع فضایی صنعت و جمعیت نیز به کار گرفته شد (زیاری، ۱۳۷۸: ۲).

در کشور ایران سابقه ایجاد شهرهای جدید با مفهوم امروزی به شروع قرن حاضر برمی‌گردد. برنامه‌ریزی شهرهای جدید در ایران اصولاً بر پایه مسائل سیاسی و نظامی قرار داشته است. در دوران پیش از انقلاب، شهرهای جدید غالباً به منظور تأمین تسهیلات مسکن و سرپناه برای کارگران صنعت نفت ایجاد شد. در حالی که پس از انقلاب شهرهای جدید، با هدف تمرکززدایی از شهرهای بزرگ، جذب ملازاد جمعیتی آن‌ها، انتقال برخی از

صنایع از شهرهای بزرگ و تأمین مسکن کارکنان کم درآمد شکل گرفته‌اند (Ziari, 2006: 412).

برنامه‌ریزی و طراحی شهرهای جدید را باید فرآیندی به شمار آورد که اجزای آن به مثابه عواملی در جریان و سیستمی پویا در حال تأثیر و تأثر هستند. عدم توجه به هر عاملی می‌تواند بر عوامل دیگر تأثیر گذاشته و تمامی طرح‌ها، برنامه‌ها، تصمیم‌ها و تبلور عملی آن‌ها را با مشکل مواجه سازد.

با توجه به پیامدهای شگرف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأسیس شهرهای جدید، ارزیابی و بازنگری آثار گوناگون ایجاد این شهرها و بررسی موفقیت یا ناکامی دولت در این خصوص، حائز اهمیت فراوانی است.

در این مقاله تلاش می‌شود به دو پرسش، پاسخ داده شود:

الف - مردم در این فرآیند، تا چه اندازه نقش داشته‌اند و دولت در پیدایش شهرهای جدید تا چه میزان، علائق و حساسیت‌های مردم را دخالت داده است؟

ب - در شهرسازی جدید، تا چه میزان ضوابط و معیارهای علمی و فنی به‌ویژه اصول مکان‌گزینی شهرها، مورد توجه قرار گرفته است؟

۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) است.

۳. پیشینه تاریخی و مبانی نظری ایجاد شهرهای جدید

در دوره‌های مختلف تاریخی، در اقصی نقاط دنیا شهرهایی با اهداف مختلف ایجاد شده‌اند که آن‌ها را می‌توان شهرهای جدید نامید. فلاسفه یونان طی سال‌ها، وضعیت زندگی انسان را بررسی و شهرهای آرمانی خود را پیشنهاد کرده بودند. ارسطو و افلاطون درباره شهرهای جدید از خود اتکایی و اندازه بهینه جمعیت سخن گفته بودند. در دوره رنسانس، طراحی شهرهای جدید تحلیلی، شواهدی از ذکاوت و توانایی بشر محسوب می‌شد (Golany, 1979: 1). پس از انقلاب صنعتی در این باره دو نظریه اصلاح‌گرایی^۱ و آرمان‌گرایی^۲ مطرح گردید. اصلاح‌گرایان، سامان‌دهی فضایی شهرها را در چارچوب دیدگاه فن‌شناختی طرح می‌کنند و کلیت آن را نفی نمی‌کنند و معتقدند که بهسازی و نوسازی شهرها از درون آن‌ها انجام می‌گیرد. ولی آرمان‌گرایان معتقد به ایجاد شهرهای تخیلی در برابر شهرهای صنعتی هستند.

در دوره جدید، طرح شهرهای جدید ناشی از نظریه‌های گوناگونی است که ابنزر هاورد^۳ نظریه‌پرداز اصلی آن به شمار می‌رود. هاورد نظریه‌اش را با الهام از افکار تخیل‌گرایان مطرح کرد. او نظریه باغ - شهر^۴ را گزینه‌ای برای رویارویی با رشد جمعیت شهرهای بزرگ، سامان‌دهی و توزیع فضایی جمعیت و صنعت می‌دانست. به نظر او، هدف از ایجاد باغ - شهرها، ساختار عملکردی، بهینه ساختن اندازه جمعیت و مساحت، اشتغال و خود اتکایی، استقرار کمربند سبز، تراکم بهینه و مالکیت عمومی زمین است. او در این زمینه، دو نمونه از طرح باغ - شهرها را در زمان حیات خویش (تا ۱۹۲۸) به مرحله عمل درآورد (Girardet, 1992:)

55). در نتیجه رؤیاهای انقلابی تخیل‌گرایان و ایده‌های اصلاح‌گرایان و تطابق آن‌ها با سیاست‌های برنامه‌ریزی ملی در بریتانیا و هم‌چنین در کشورهای دیگر، مفهوم شهر جدید به مثابه فرصتی لیبرالیستی برای اعمال اصلاحات و ارائه شیوه‌های بهتر برای زندگی شهری به وجود آمد. نظریه شهر صنعتی گارنیه از نمونه‌های دیگر است که در سال ۱۹۱۹ در شهر لیون فرانسه در مقیاس کوچک اجرا شد. گارنیه شیفته شکل معماری شهر قرن بیستمی بود که بتواند پاسخ‌گوی نیازمندی‌های ناشی از پیشرفت‌های اجتماعی و فنی باشد. کلرنس پری در سال ۱۹۲۳ نظریه واحد همسایگی را مطرح کرد. این نظریه منشأ اثری شد تا هنری ریت و کلرنس اشتاین به تبعیت از پری، شهر جدید ردبرن را در نیوجرسی آمریکا احداث نمایند (ابراهیم‌زاده و نگهبان مروی، ۱۳۸۳: ۱۸۵). تجارب به دست آمده از شهر ردبرن، ایده تعمیم این طرح را در شهرهای جدید مورد توجه مسئولان و دستگاه‌های دست‌اندر کار که سیاست‌گذاران اصلی در زمینه توسعه شهری هستند، قرار داد و به تدریج با تغییر قوانین، برنامه‌ریزی کامل و جامعی در این زمینه به وجود آمد (اسفندیاری، ۱۳۷۳: ۸۸).

شهرهای جدید پس از جنگ جهانی دوم الگویی برای کمک به حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و محیطی شهرهای بزرگ بودند. این الگو، توزیع جمعیت و اشتغال را در کل فضای سرزمین ارائه داد. بدین ترتیب، ایده شهر جدید با ابزار توسعه ناحیه‌ای به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت.

در ایران رشد شتابان شهرنشینی در سه دهه گذشته با توان تجهیز فضاهای شهری و گسترش زیرساخت‌ها متناسب نبود و مشاغل مولد مورد نیاز را ایجاد نکرد. از آن جا که توزیع فضاهای شهرها و کنترل در چهارچوب برنامه جامع که مبتنی بر هماهنگی‌های بخشی و ناحیه‌ای باشد صورت نگرفته است، مشکلات ناشی از رشد شتابان جمعیت شهرنشینی ابعاد پیچیده‌ای یافته است. در نتیجه، مشکلاتی نظیر گرانی مسکن، بیکاری و اسکان غیر رسمی به شدیدترین شکل ممکن در سیمای جامعه شهری کشور ظاهر شده که رفع آن‌ها مستلزم تلاش همه جانبه و برنامه‌ریزی است.

رشد شهرنشینی در ایران را می‌توان با نظریه رشد اقتصادی رستو (جامعه سنتی، انتقالی، خیز، بلوغ و مصرف انبوه) تبیین کرد. بدین ترتیب که در دوره ۱۳۳۰-۱۳۰۰ اقتصاد سنتی شکسته می‌شود (جامعه سنتی) و سرمایه‌داری وابسته از طریق صنعت نفت و روابط پولی رسوخ می‌کند (دوره انتقالی). شهر در دوره سنتی بیش تر کار کرد سیاسی و ارتباط دارد. ایران پس از دوره انتقالی در مرحله خیز (۵۷-۱۳۴۰)، به سرمایه‌داری جهانی می‌پیوندد و برای انجام این امر زیربنای لازم برای استقرار کامل سرمایه‌داری ایجاد می‌شود تا به دوره بلوغ برسد. در دوره خیز علاوه بر کار کرد موجود شهرها، کار کرد صنعتی نیز به طور وسیعی افزوده می‌شود (اطهاری، ۱۳۶۸: ۱۰۶). رشد شهرنشینی در ایران در دوره خیز به علت رابطه شدید مرکز - پیرامون و توسعه برون‌زا که ناشی از دلارهای نفتی و راهبردهای جایگزینی واردات بود، موجب تقویت نظام تک شهری ابرشهر تهران و مادرشهرهای ناحیه‌ای می‌شود (پیران، ۱۳۶۹: ۳۸). در نتیجه، شهرهای پیرامونی از امکانات و جمعیت تهی می‌مانند که نتیجه آن تمرکز شدید جمعیت و سرمایه در کلان‌شهر

تهران و مادرشهرهای ناحیه‌ای (مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز) مستقل از توسعه شهر بالادست خود، یعنی تهران است. بدین ترتیب این شهرها، با تشدید شکستگی نظام سلسله مراتب شهری، به سوی قطبی شدن می‌روند.

درباره جایگاه و نقش شهرهای جدید در روند و نظام شهرنشینی ایران چهار دوره کاملاً متمایز را می‌توان بررسی کرد:

۱) در فاصله بین دو جنگ جهانی یا مرحله انتقالی، شهرهای جدید در ایران بدون راهبردی مشخص و مبتنی بر کارکردهای عمده و بر پایه یک هسته اولیه روستایی تکوین یافتند (زاهدان و نوشهر) که در حال حاضر پر رونق، موفق و به عنوان شهر تلقی می‌شوند.

۲) در دوره جنگ جهانی دوم تا اواسط دهه ۱۳۴۰، شهرهای جدید بدون راهبرد مشخص و بر پایه یک هسته شهری و مبتنی بر عملکرد تک پایه‌ای و خوابگاهی و برای توسعه صنعت نفت و سایر رشته‌های صنعت شکل گرفتند.

۳) از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۷ که از آن به نام دوره خیز می‌توان یاد کرد، شهرهای جدید با راهبرد بهره‌برداری از منابع طبیعی و بدون وجود هسته اولیه شکل گرفتند که نقش عمده آن‌ها توسعه ناحیه‌ای، تأمین مسکن و سوداگری زمین بوده است.

۴) پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه راهبرد پالایش و سامان‌دهی فضایی مادرشهرهای ناحیه‌ای و ابرشهر تهران و توزیع رشد متعادل اقتصادی - اجتماعی، ۲۸ شهر جدید اقماری به شکل مصوب و غیر مصوب بدون هسته اولیه و با نقش اسکان بهینه و جذب سرریزهای جمعیتی مناطق با پیش‌بینی شش میلیون نفر جمعیت تا سال ۱۳۹۵ طراحی شده‌اند.

اکنون که سال‌ها از احداث این شهرها می‌گذرد و هدف از احداث آن‌ها بررسی می‌شود، مشخص گردیده است که این شهرها مسائل بسیاری را در مراحل اولیه و شکل‌گیری و نیز نظام اسکان کشور پدید آورده‌اند.

مطابق آخرین آمار شرکت عمران شهرهای جدید ایران در سه ماهه نخست سال ۱۳۸۹ از تعداد ۲۱ شهر جدید، کم‌تر از ده درصد جمعیت پیش‌بینی شده، در این شهرها اسکان یافتند و حتی برخی از این شهرها مانند رامشمار، رامین، شیرین‌شهر، امیرکبیر، سیراف، ایوانکی و مهستان بدون جمعیت هستند. به علاوه، شهرهای تیس و لتیان که مطالعات شهرسازی آن‌ها، مدت‌ها قبل انجام گردیده بود، از فهرست شهرهای جدید حذف شده‌اند. در مجموع، شهرهای جدید ایران تا پایان سه ماهه نخست ۸۹، تعداد ۴۶۳۰۷۶ نفر را در خود جای داده بودند که پرجمعیت‌ترین آن، بهارستان با ۸۰/۰۰۰ نفر جمعیت است. این امر به روشنی، مبین عدم موفقیت دولت در برنامه‌ریزی شهرهای جدید در ایران است

۴. گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شهرهای جدید در ایران

شهرهای جدید را می‌توان بر حسب وسعت، فاصله، جمعیت، نوع و سطح فعالیت اقتصادی به دو نوع طبقه‌بندی کرد. نخست از جنبه شکلی - عملکردی که به شهرهای جدید مستقل، شهرهای جدید اقماری و شهرهای جدید پیوسته قابل تقسیم است.

دوم از جنبه ایجاد عملکرد خاص برای شهر جدید است که به شهرهای جدید مهاجرنشین، شهرهای جدید سرریزپذیر، پایتخت‌های جدید و شهرهای جدید صنعتی، تقسیم می‌گردد.

۴-۱. گونه‌بندی شکلی - عملکردی شهرهای جدید

۴-۱-۱. شهرهای جدید مستقل

شهرهای جدید مستقل، اجتماع‌های برنامه‌ریزی شده‌ای هستند که با اهداف بهره‌برداری از منابع طبیعی، انتقال مزایای قطب رشد به نواحی عقب‌مانده، صنعتی کردن منابع مستعد، تقویت نواحی صنعتی و تغییر ساخت سیاسی و خدماتی نواحی و کل کشور ایجاد می‌شوند. هدف از ایجاد شهرهای جدید مستقل در اصل ناشی از «سیاست تمرکززدایی» ملی و ناحیه‌ای و تعادل بخشی به نواحی مختلف کشور است (مالیس، ۱۳۵۳: ۱۴).

شهرهای جدید مستقل، معایب و محاسنی دارند که به نمونه‌هایی از معایب آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. این شهرها بیش‌تر در نواحی کم‌تر توسعه یافته و در زمینی بکر بنا می‌شوند. بنابر این در مقایسه با دو الگوی دیگر شهرهای جدید، چون از تأسیسات و تجهیزات شهری کم‌تری بهره‌مند می‌شوند، هزینه‌های گزافی را ایجاد می‌کنند.

۲. محیط این گونه شهرها به دلیل انزوای جغرافیایی از نظر روانی و اجتماعی، محیطی کم جاذبه و فاقد زمینه‌های لازم برای ایجاد زندگی پرشور و شوق است (مالیس، ۱۳۵۳: ۱۷-۱۶).

۳. این گونه شهرها در ایجاد اشتغال و جذب جمعیت‌های ناحیه‌ای موفق نیستند.

۴. این گونه شهرها اقتصادی تک پایه‌ای دارند و به همین سبب نسبت به تحولات اقتصادی و رونق و رکود ناحیه‌ای و ملی حساس و آسیب‌پذیر هستند (Galantay, 1975: 39).

۴-۱-۲. شهرهای جدید اقماری

شهرهای جدید اقماری، اجتماع‌های برنامه‌ریزی شده‌ای در درون حوزه کلان‌شهرها هستند که پیوندهای عملکردی مستحکمی را با شهر مرکزی حفظ می‌کنند. به همین سبب وجود ارتباطات مناسب امری حیاتی است و زمان جابه‌جایی ساکنان نباید از ۳۰ تا ۴۵ دقیقه تجاوز کند (Liyod, 1969: 10). وسعت این شهرها بین ۴۰۰ تا ۶ هزار هکتار است. شهرهای جدید اقماری از نظر شکل، تراکم و شیوه زندگی اصولاً تداوم الگوی سکونت حومه‌نشینی به شمار می‌روند. تراکم خالص این سکونت‌گاه‌ها بین ۱۲ تا ۳۷ نفر در هکتار است. در این شهرها نیاز به ایجاد توازن در تأمین مشاغل وجود ندارد؛ زیرا این شهرها از بازار کار کلان‌شهر بهره‌مند می‌شوند. هم‌چنین، همواره از نظر خدمات عمده به مغازه‌ها، تخصص‌های ویژه و تسهیلات فرهنگی و تفریحی شهر مرکزی وابسته باقی می‌مانند (Doxiadis, 1965: 10).

۴-۱-۳. شهرهای جدید پیوسته

هاروی پارولوف^۶ برای توصیف شهرهایی که در محدوده شهرهای موجود احداث می‌شوند، از اصطلاح شهرهای جدید پیوسته استفاده کرد. در واقع، این الگو در جوار مادرشهر و مجتمع‌های بزرگ برای رفع مشکل انباشتگی‌های مسکونی آن‌ها ایجاد می‌شود.

بنابر این هدف از ایجاد آن‌ها سامان‌دهی فضایی و تراکم‌زدایی از مادرشهر است. این الگو به دلیل قرار گرفتن در محدوده شهرهای بزرگ دارای تراکم شدید جمعیتی است و به سرعت توسعه می‌یابد (حدود ۱۴۰ نفر یا بیش‌تر در هکتار). در توسعه این شهرها، مسائل اجتماعی و محیط شهری پیرامون آن‌ها نقش مهمی دارد؛ زیرا نقش این شهرها سرریزپذیری شهر بزرگ مجاور است (Golany, 1973: 30).

این گونه شهرها در ایران به‌ویژه در تهران و اصفهان احداث شده‌اند؛ به طوری که می‌توان گفت بیش‌تر شهرهای جدید ایران در این طیف قرار می‌گیرند.

۴-۲. گونه‌بندی شهرهای جدید از لحاظ ایجاد عملکرد خاص

۴-۲-۱. شهرهای جدید مهاجرنشین

هدف از ایجاد شهرهای جدید مهاجرنشین، تخلیه شهرها با مهاجرت، حفظ تعادل میان جمعیت و محیط در کلان‌شهرها و بهره‌مندی از نیروی انسانی و منابع طبیعی یک ناحیه است (Dela Griox, 1972: 20).

۴-۲-۲. شهرهای جدید سرریز پذیر

این شهرها برای خنثی کردن و کنترل رشد شتابان شهرهای بزرگ و نیز جذب و انتقال بخشی از جمعیت آن‌ها احداث می‌شود (Hallm Peter, 1992: 168). معمولاً برای این هدف قطب‌های رشد جدیدی به شکل شهرهای جدید اقماری، مستقل، موازی دو قلو و غیره احداث می‌گردد.

۴-۲-۳. پایتخت‌های جدید

پایتخت‌های جدید به طور کلی برای تشکیل یک دولت جدید یا انتقال حکومت از مکانی به مکان دیگر احداث گردیده‌اند. این پایتخت‌ها به دلایل متفاوتی احداث شده‌اند که عبارتند از: احداث پایتخت‌ها در مستعمره‌های قدیمی پس از استقلال، تغییر در قلمرو یک ناحیه، بی‌بهره شدن ناحیه از مرکز سنتی خود، تشکیل دولت جدید به دنبال ائتلاف سیاسی، انتخاب مکان پایتخت جدید روی زمین بکر و ...

۴-۲-۴. شهرهای جدید صنعتی

اهداف عمده ایجاد شهرهای جدید صنعتی عبارتند از: بهره‌برداری از منابع طبیعی ناحیه، راهبرد توسعه منطقه‌ای، ایجاد قطب رشد، اسکان شاغلان بخش صنعت، امکان دسترسی به صنعت، تولید و سرانجام ایجاد محیطی مناسب برای زندگی کارگران و شاغلان بخش صنعت.

شهرهای جدید صنعتی معمولاً به دنبال دوره گذار از جامعه پیش‌صنعتی به صنعتی ایجاد می‌شوند. این شهرها معمولاً در نزدیکی منابع مواد خام پدید می‌آیند. فاصله مطلوب بین ناحیه صنعتی و محل شهر جدید صنعتی حدود ده تا پانزده کیلومتر است و بین ناحیه مسکونی و ناحیه صنعتی کمربند سبز ایجاد می‌گردد.

۵. دولت و شهرهای جدید در ایران

نقش دولت در ایجاد شهرهای جدید در ایران در دو مقطع زمانی قبل و بعد از انقلاب قابل بررسی است. قبل از انقلاب،

شهرهای جدید بیش‌تر شهرهای مسکونی و مرتبط با واحدهای صنعتی و نفتی بود. این شهرها بعد از انقلاب به منظور ایجاد نقاطی برای جذب سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ، جلوگیری از ایجاد نقطه‌های جمعیتی خودرو و غیررسمی و غیراستاندارد، جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی و غیره به وسیله دولت احداث گردیدند...

۶- شهرهای جدید قبل از انقلاب اسلامی

قبل از انقلاب اسلامی شهرهای جدید بدون برنامه‌ریزی و طراحی و بیش‌تر در ارتباط با نیازها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه صنعت نفت یا برنامه‌های صنعتی و به صورت شهرک‌های مسکونی ایجاد شدند. شهرک‌های نفتی، معدنی، صنعتی، مسکونی، تجاری، نظامی و ... همگی بر عدم نگرش و بینش اجتماعی در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌ها دلالت دارد.

عمده‌ترین اقدام‌ها در این زمینه به دهه ۱۳۴۰ برمی‌گردد که با تأسیس وزارت آبادانی و مسکن از سوی دولت و آغاز تهیه طرح‌های جامع شهری و بسیاری قوانین مربوط به توسعه شهری هم‌زمان است. شهرک‌های صنعتی و مسکونی در ابعاد و اندازه‌های مختلف، خودجوش یا برنامه‌ریزی‌شده، ایجاد گردید و بعدها مجتمع‌های شهری جدید در گسترش شهر ادغام شدند که نمونه‌های آن در اطراف تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور قابل مشاهده است.

با رشد سریع شهرنشینی و ایجاد شهرک‌ها شاهد ایجاد شهرهای جدیدی توسط دولت بوده‌ایم که نمونه آن‌ها شهرهای صنعتی، نفتی و معدنی است. اندیمشک یکی از نقاط جدیدی است که در کنار ایستگاه راه‌آهن ایجاد شد و بعد تبدیل به شهر گردید. بندر امام خمینی، بندر ترکمن، شهر جدید دزفول، شهر زرنند کرمان، مرودشت فارس، شوشتر نو، سنندج، بانه، پیرانشهر، بناب، اراک، مریوان، سلماس (بعد از زلزله ۱۳۱۰) و شهرک‌های اطراف تهران و کرج و دیگر شهرهای بزرگ، همگی در شرایط رشد شتابان شهری یا ناشی از وقایع غیر مترقبه و یا بر حسب ضرورت فعالیت‌های جدید به وجود آمدند. تمامی شهرهای ذکر شده بدون برنامه جامع و مدون شکل گرفتند و دولت در ایجاد و شکل‌دهی آن‌ها به عنوان شهر، نقش تعیین‌کننده داشته است (رهنمایی، ۱۳۷۷: ۲۴).

شهر آبادان یکی از شهرهای جدید دیگر است که در قرن بیستم با پیش‌بینی جمعیت ۳۰۰ هزار نفر با حمایت دولت ایجاد گردید. این شهر دارای محله‌هایی هم‌چون باغ شهرهای انگلستان است، ولی سیما و ریخت شهر از تفاوت‌ها و ناهماهنگی‌های اجتماعی - فضایی حکایت دارد. هم‌چنین، ترکیب ناموزون جمعیت و قشربندی اجتماعی در کالبد شهر (وجود افراد خارجی و مدیران ایرانی و جمعیت بومی) مسائل و مشکلات اجتماعی بسیاری در پی داشته است. شاهین‌شهر اصفهان از شهرهای دیگری است که بنای اولیه آن با برنامه‌ریزی و طراحی در سال ۱۳۵۵ گذاشته شد. اما این شهر نیز با مشکلات اجتماعی و فرهنگی فراوانی روبه‌روست.

فولاد شهر اصفهان، هرچند به عنوان یکی از بهترین شهرهای

جدید قبل از انقلاب شمرده می‌شود که با طرح جامع شهر توسط مهندسان شوروی سابق و متخصصان ایرانی طراحی و ساخت آن در سال ۱۳۴۶ شروع شد، ولی نتوانست پاسخگوی تمام مسائل ساکنان باشد؛ به‌ویژه آن که همانند یک پادگان، حیات اجتماعی آن خشک و بی‌روح است و ساکنان تعلق خاطری به شهر ندارند. شهر جدید سرچشمه یک شهر برنامه‌ریزی و طراحی شده نواحی معدنی است که بیش از ۷۰ درصد جمعیت آن را اهالی استان کرمان تشکیل می‌دهند. اهالی، تعلق خاطری به این شهر ندارند و همه خود را غریب، ساکن موقت و مسافر می‌دانند. در مجموع، تمامی شهرهای ایجاد شده توسط دولت قبل از انقلاب، نارسایی‌ها و کاستی‌های خدماتی، رفاهی، معضلات و مشکلات اجتماعی و فرهنگی بی‌شماری دارند که نشانگر تقدم شهرسازی بر شهرنشینی است.

۷. شهرهای جدید بعد از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی با حمایت دولت، تهیه طرح‌های توسعه، عمران و حوزه نفوذ شهرها، به جای طرح‌های جامع تصویب شد. از این پس، قرارداد تهیه طرح‌های جدید برای شهرها تحت این عنوان با مهندسان مشاور و سازمان‌های مربوط منعقد گردید. قراردادهایی نیز برای تجدید نظر در طرح‌های جامع قبلی انعقاد

یافت و اهداف و سیاست‌های قبلی مورد تجدید نظر کلی قرار گرفتند. پس از انقلاب، طرح‌های شهرسازی به مفهوم فراشه‌ری مطرح شد و طرح‌های جامع شهرستان و اسکان ۹۰ مطرح گردیدند. در داخل شهرها و یا در کنار آن‌ها نیز طرح‌های آماده‌سازی زمین، طراحی و اجرای بزرگ‌راه‌های شهری، طراحی و ایجاد بوستان‌ها و فضاهای سبز و ... مد نظر واقع شدند. شاید مهم‌ترین اقدام شهرسازی که از طرف دولت پس از انقلاب انجام گرفت برنامه‌ریزی ایجاد شهرهای جدید است (مروجی و مشهدی‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۷۵). ساخت شهرهای جدید بر اساس مصوبه هیأت وزیران در سال ۱۳۶۴ با اهدافی از جمله، جلوگیری از رشد جمعیت، انتقال صنایع مزاحم، ایجاد کانون‌های اشتغال، جلوگیری از بورس بازی زمین، پلایش شهر مادر، کاهش هزینه‌های حمل و نقل، جلوگیری از حاشیه‌نشینی، کاهش ترافیک، رعایت فواصل شرعی، جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی، تأمین مسکن، کاهش هزینه‌های تأسیسات زیربنایی مادر شهر، آزاد سازی اراضی مادرشهر و جلوگیری از تخریب محیط زیست، با تأسیس شرکت عمران شهرهای جدید متعلق به وزارت مسکن آغاز به کار کرد. در جدول شماره ۱، وضعیت کنونی جمعیت پذیری این شهرها، در مقایسه با برنامه تدارک دیده شده آن، نشان داده شده است:

جدول شماره ۱: جمعیت اسکان یافته در شهرهای جدید ایران تا سال ۱۳۸۹

ردیف	شهر جدید	ظرفیت جمعیت پذیری طبق مصوبات شورا	جمعیت کنونی
۱	هشتگرد	۶۰۰/۰۰۰	۴۵/۰۰۰
۲	اندیشه	۱۳۲/۰۰۰	۹۷/۵۰۰
۳	پردیس	۴۰۰/۰۰۰	۴۵/۰۰۰
۴	پرند	۷۰۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰
۵	بهارستان	۵۰۰/۰۰۰	۸۰/۰۰۰
۶	پولاد شهر	۵۰۰/۰۰۰	۹۲/۲۴۰
۷	مجلسی	۱۴۰/۰۰۰	۴/۳۵۳
۸	گلپه‌هار	۴۰۰/۰۰۰	۱۲/۰۰۰
۹	بینالود	۱۱۳/۰۰۰	۳/۸۰۰
۱۰	صدرا	۲۰۰/۰۰۰	۲۱/۶۶۲
۱۱	سهند	۱۰۰/۰۰۰	۱۶/۵۲۵
۱۲	مهاجران	۶۰/۰۰۰	۱۶/۰۰۰
۱۳	عالیشهر	۱۰۰/۰۰۰	۱۳/۵۸۶
۱۴	رامشار	۶۵/۰۰۰	۲۱۰
۱۵	رامین	۱۲۰/۰۰۰	۰
۱۶	علوی	۱۰۰/۰۰۰	۲۰۰
۱۷	شیرین شهر	۱۱۰/۰۰۰	۰
۱۸	امیرکبیر	۱۰۰/۰۰۰	۰

ردیف	شهر جدید	ظرفیت جمعیت پذیری طبق مصوبات شورا	جمعیت کنونی
۱۹	سیراف	۱۲۰/۰۰۰	۰
۲۰	ایوانکی	۵۰/۰۰۰	۰
۲۱	مهستان (قم)	۱۲۰/۰۰۰	۰
جمع کل		۴/۷۳۰/۰۰۰	۴۶۳/۰۷۶

مأخذ: شرکت عمران شهرهای جدید ایران، ۱۳۸۹

جدول شماره ۲: ساخت و سازهای انجام شده در شهرهای جدید به تفکیک سازندگان تا خرداد ۱۳۸۹

ردیف	شهر جدید	تعاونی		انبوه سازی		انفرادی		جمع کل
		در دست اجرا	تکمیل شده	در دست اجرا	تکمیل شده	در دست اجرا	تکمیل شده	
۱	هشتگرد	۱۷/۰۰۰	۸/۲۱۰	۱۷/۸۴۸	۲/۸۷۲	۸۵۶	۶۷۵	۴۷/۴۶۱
۲	اندیشه	۲/۷۶۵	۱۴/۸۰۷	۵۱۶	۳/۳۳۴	۵۴۷	۲/۰۰۷	۲۳/۹۷۶
۳	پردیش	۱/۴۱۳	۸/۵۰۳	۸/۰۰۴	۵/۴۳۶	۱۸۴	۵۹۹	۲۴/۱۳۹
۴	پرند	۹/۴۰۹	۱/۲۶۳	۱۴/۱۵۶	۸/۰۲۰	۱۹۰	۶۱۵	۳۳/۶۵۳
۵	بهارستان	۱/۷۸۷	۴/۲۱۱	۲/۹۶۷	۱۰/۶۲۱	۶/۹۲۷	۸/۹۵۳	۳۵/۴۶۶
۶	پولاد شهر	۷/۷۵۲	۱۵/۰۱۹	۵/۶۸۵	۱۲/۶۱۴	۲/۴۴۴	۳/۹۳۸	۴۷/۴۵۲
۷	مجلسی	۹۰۰	۳۴	۲/۱۹۹	۱۶۵	۱۲۸	۱۸۵	۳/۶۱۱
۸	گلبهار	۱/۹۳۱	۱/۴۷۰	۲/۰۲۴	۱/۹۶۶	۶۱۸	۹۵۲	۸/۹۶۱
۹	بینالود	۶۸۶	۲	۳۱۶	۲۶۸	۸۵	۱۳	۱/۳۷۰
۱۰	صدرا	۴/۲۹۳	۱/۳۸۴	۱۲/۵۳۶	۲/۳۲۵	۳/۰۳۱	۳/۲۳۲	۲۶/۸۰۱
۱۱	سهند	۲/۷۳۲	۷۹۷	۶/۶۴۰	۱/۹۴۹	۱/۹۹۸	۹۵۲	۱۵/۰۶۸
۱۲	مهاجران	۱/۱۷۷	۱/۲۸۰	۴۱۲	۱/۴۹۰	۱۰۰	۲/۱۵۵	۶/۶۱۴
۱۳	عالیشهر	۷/۲۱۰	۱/۲۰۱	۸۸۵	۱/۴۶۵	۱/۱۱۱	۶۸۴	۱۲/۵۵۶
۱۴	رامشار	۵۰۰	۰	۲۵	۲/۰۰۰	۰	۰	۲/۵۲۵
۱۵	علوی	۵۰	۰	۱۴۸	۰	۰	۵۲	۲۵۰
۱۶	رامین	۰	۰	۰	۲/۳۹۴	۰	۰	۲/۳۹۴
۱۷	شیرین شهر	۹۹۲	۰	۲/۹۴۸	۰	۰	۰	۳/۹۴۰
جمع کل		۶۰/۵۹۷	۵۸/۱۸۱	۷۷/۳۰۹	۵۶/۹۱۹	۱۸/۲۱۹	۲۵/۰۱۲	۲۹۶/۲۳۷

مأخذ: شرکت عمران شهرهای جدید ایران، ۱۳۸۹

آن در نزدیکی همان شهر تعریف گردیده و در قالب شهرک‌های صنعتی، نفتی، نظامی و اداری شکل گرفته بودند، در حالی که در سالیان اخیر، شهروندان ناگزیر بوده‌اند به این شهرها، تنها به عنوان محل سکونت ارزان قیمت و عاری از خدمات و شغل نگاه کنند. علاوه بر این، عوامل اجتماعی و فرهنگی دیگری نیز وجود دارد که این عدم استقبال فاحش از شهرهای جدید را تشدید نموده است که در بخش دیگر مقاله به آن خواهیم پرداخت. شایان گفتن است حتی ورود دولت به مقوله مسکن ارزان قیمت در قالب مسکن مهر نیز نتوانسته است، عدم رغبت مردم به سکونت را در این شهرها چاره‌جویی نماید.

۸. تحلیل عملکرد دولت در ایجاد شهرهای جدید

آسیب‌شناسی احداث شهرهای جدید به طور عمده در دو محور

تأملی کوتاه در این دو جدول، به روشنی نشان می‌دهد که از ۲۱ شهر جدید، ۸ شهر، جمعیت حدود بیست هزار نفر را در خود جای داده و از ۸ شهر دیگر هیچ‌گونه استقبالی صورت نگرفته است. دو شهر، کمتر از پنجاه هزار نفر جمعیت را پذیرا گردیده و سه شهر نیز جمعیتی حدود نود هزار نفر را سکونت داده‌اند. بنابراین، در شهرهای جدید، سکونت کم‌تر از ۱۰ درصد ظرفیت بالقوه آن‌ها محقق گردیده که بدون تردید، نشانه ناکامی کامل دولت در دست‌یابی به اهداف پیش‌بینی شده در تأسیس شهرهای جدید است. یکی از مهم‌ترین دلایل بروز چنین وضعیتی، آن است که شهرهای جدید پیش از انقلاب، پذیرای جمعیتی بودند که از قبل، شغل ساکنان

نگاه مردمی و کاستی‌های کارشناسانه و فتنی به‌ویژه با تأکید بر مؤلفه‌هایی هم‌چون فاصله از شهر مرکزی، فقدان خدمات، عدم رعایت مکان‌گزینی صحیح و... قابل بررسی است.

الف- بی‌توجهی به نظر مردم در عرصه طراحی

در چهار دهه اخیر، شهرنشینی و شهرگرایی از رشدی شتابان برخوردار بوده است و مردم با تلاش‌های خود برای یافتن کار و مکان مناسب نقش خود را به عنوان متقاضیان مسکن، زیرساخت‌ها و خدمات شهری آشکار ساخته‌اند. مردم در نقش متقاضیان کار، مسکن و... به دنبال فضای مناسب می‌گردند. وقتی دولت و طراحان به سامان‌دهی شهر جدید می‌پردازند، تصور اندیشمندان و منطقی این است که مردم راضی هستند و هماهنگ و هم‌خوان با نمودهای فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی این فرایند عمل می‌کنند، اما واقعیت آن است که عکس‌العمل عمومی در شیوه‌های بهره‌برداری، حفظ و نگهداری آن‌ها اندک و ضعیف است. در بسیاری از مواقع مردم شیوه‌های اجرایی و نمودهای طراحی را قبول ندارند و وقتی بین عرصه‌های سنتی و جدید مجتمع‌های زیستی مقایسه می‌شود، تعلق خاطر به حوزه سکونت، در بین ساکنان محله‌های جدید کم‌تر از ساکنان محله‌های قدیم است؛ به عبارتی دیگر، مردم تمایلی به زیست در شهرهای جدید ندارند. ناراضی‌تبی مردم به زیست در مجتمع‌های زیستی جدید به گونه‌های مختلفی ظاهر می‌شود، که عبارتند از:

۱. عدم استقبال برای سکونت،
۲. بی‌تفاوتی در مقابل حفظ و نگهداری زیرساخت‌ها و سالم نگه‌داشتن محیط اطراف خود؛ مانند: تخریب کیوسک تلفن، تیرهای برق، جداول خیابان‌ها، آلوده نمودن دیوارها، میادین، پارک‌ها و ...،
۳. بی‌تفاوتی یا ضعف احساس مسئولیت در برابر نحوه استفاده از خدمات زیرساختی نظیر آب، برق، تلفن و ...

واقعیت، آن است که روابط موجود بین بخش دولتی و مردم از تصور برنامه‌ریزی و طراحی باید تغییر کند؛ به عبارت دیگر، مردم باید جایگاه واقعی خود را بیابند. آنان بهتر می‌توانند با مشارکت وسیع در سازمان فضایی مجتمع‌های زیستی جدید، نقش خود را از مصرف‌کننده به تولیدکننده و از ناظر به عامل تغییر دهند.

دولت در سندهای توسعه شهری، در طراحی شهرهای جدید هیچ‌گونه نقش و عملکردی برای این شهرها در نظام سلسله‌مراتب شهری تعریف نکرده است. این امر باعث شده است تا شهرهای جدید به محله‌های مسکونی و کوی‌های سازمانی تبدیل و فاقد هر گونه روحیه، هویت و نشانه شهری شوند.

از سوی دیگر، سیاست کلی دولت در جهت افزایش نرخ شهرنشینی و حرکت به سمت توسعه یافتگی باعث شده است تا تعداد شهرهای کشور (تبدیل روستا به شهر) افزایش یابد؛ به طوری که در سرشماری سال ۱۳۷۵، تعداد شهرهای کشور به ۶۴۵ مورد رسید و در اواخر سال ۱۳۹۰ به بیش از ۱۱۲۵ شهر افزایش یافته است. تعداد زیادی از آن‌ها در پیرامون شهرهای بزرگ کشور قرار

گرفته‌اند این امر نقش شهرهای جدید را کم‌رنگ ساخته و این سؤال را مطرح کرده است که لزوم ایجاد شهرهای جدید و تبدیل روستاها به شهر که از رشد زیادی هم برخوردار بوده است، از طرف دولت چیست و آیا همان روستاها نمی‌توانسته‌اند وظایف شهرهای جدید را انجام دهند؟

نکته مهم دیگر این‌که مشاهده‌ها و بررسی‌ها حاکی از آن است که در شهرهای جدید، خدمات شهری و اجتماعی با حجم جمعیت یا حجم تقاضای ورود به شهر متناسب نیست. چنین وضعی در شهرهای جدید اندیشه، پردیس و هشترگرد مشاهده می‌شود. ساکنان این شهرها خدمات مورد نیاز را از شهرهای اطراف تأمین می‌کنند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

در برخی موارد مشاهده شده است که توقع مردم در سامان‌دهی فضاها در مسیر ناراضی‌تبی نسبت به عمل طراحان و تصمیم‌گیرندگان میل می‌کند و مردم تمایلی به زیست یا سکونت در شهرهای جدید ندارند (پیشین: ۳۰).

شاید بتوان روی محسوس سامان‌دهی مجتمع‌های زیستی را با تمهیدهای مختلف از طریق فیزیکی یا مالی توسط دولت بهینه‌سازی نمود. اما روی نامحسوس آن یعنی مردم، از داشتن یک سامان فکری و عملکردی بهینه به دور مانده است. از یک سو به زعم نظریه‌پردازان جدید شهرسازی، نگرانی‌های موجود از شیوه‌های سامان‌دهی، از مطلوبیت کیفیت محیط زیست می‌کاهد و از سوی دیگر، در وضع کنونی، عملکردهایی نظیر بی‌تفاوتی در مقابل تصمیم‌گیری‌ها و حفظ و نگهداری شهرهای جدید و نیز احساس بیگانگی و عدم تعلق، می‌تواند بحران‌های شهری پیش‌بینی نشده‌ای در آینده به بار آورد.

ب- عدم رعایت اصول کارشناسی و معیارهای فنی در ایجاد شهرهای جدید

شهرهای جدید، جوامع برنامه‌ریزی شده‌ای هستند که آگاهانه در پاسخ به اهداف از پیش تعیین‌شده ایجاد می‌شوند و از لحظه شروع تا رسیدن به «توده بحرانی»، به سرعت و در مدت زمان کوتاه و معینی ساخته می‌شوند (رئیس دانا، ۱۳۸۰: ۵۶۲).

دولت در طرح‌های توسعه شهری در شکل طرح‌های جامع و تفصیلی و نیز طرح‌های آماده‌سازی نتوانسته از ابزارهای مناسب شهرسازی در شهرهای جدید بهره‌گیرد. لذا در جهت بهبود کیفیت شهری از دیدگاه طراحی نتوانسته است شهرهای جدید را به محل‌های بهتری برای کار و زندگی تبدیل کند.

از دیدگاه بصری در اغلب شهرهای جدید به خصوص شهرهای اطراف تهران (پزند، هشترگرد و اندیشه) از نظر ورودی به شهر، حجم‌های پر و خالی، خط آسمان و نیم‌رخ شهر، عواملی چون نشانه راه لبه، گره و محله، شیوه ساخت، فیزیک و هندسه شهر، وضعیت مبلمان شهری و... با شهرهای دیگر کشور به لحاظ فنی فرقی ندارد. علاوه بر این موارد، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طراحی و ساخت این شهرها، مطالعات گسترده و دقیق جغرافیایی و زیست محیطی، انجام نگرفته و در واقع، کیفیت فدای سرعت

گردیده است.

صاحب‌نظران شهرسازی در جهان، مهم‌ترین عوامل و ملاحظات طبیعی را در مکان‌گزینی شهرهای جدید شامل پنج عامل دانسته‌اند. بی‌تردید عدم توجه در هر یک از این عوامل و یا عدم ملاحظه مجموعه آن عوامل در کنار هم منجر به خسارت‌ها و آسیب‌های شگرفی پس از احداث شهرها خواهد گردید؛ این عوامل عبارتند از:

۱. زمین‌شناسی و ژئومورفولوژی (ویژگی‌های لرزه‌خیزی منطقه، منابع و کان‌سارهای اقتصادی و...)
 ۲. توپوگرافی (ارزیابی و تجزیه و تحلیل ویژگی‌های ناهمواری سطح زمین و ...)
 ۳. آب و هوا (سنجش وضع هوا در فاصله زمانی چند روزه و نیز سنجش سالیانه اوضاع آب و هوایی بر اساس میانگین عناصر آب و هوایی و نوسان‌های آن در طول سال و ...)
 ۴. دسترسی به منابع آب (سطحی و زیرزمینی)
 ۵. توانایی پوشش گیاهی و خاک منطقه.
- مطالعه‌ای که با بهره‌گیری از تکنیک SWOT در مورد سه شهر جدید اندیشه، هشتگرد و پرند انجام گردید، نشان می‌دهد که بسیاری از مؤلفه‌های ضروری طبیعی در زمینه این ۵ عامل در نظر گرفته نشده و مورد غفلت واقع گردیده است. هر یک از این کاستی‌ها می‌تواند در آینده منشأ بروز خسارت‌ها و نابسامانی‌هایی باشد (کلانتری، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری

رشد روز افزون مهاجرت روستاییان به شهرها و نیز تجددگرایی در دوره پهلوی اول، تخریب برج و باروی شهرها، تلاش برای از بین بردن آثار شهرنشینی سنتی به عنوان چالش پیش روی دولت، ورود خیابان به شهر و ایجاد قطب‌های کشاورزی و صنعتی در کشور که نیازمند احداث شهرک‌های مسکونی برای کارکنان آن‌ها بود، تحولی تازه در رشد شهرنشینی و در این دوره ایجاد کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این واقعیت آشکار است که به استثنای تعداد اندکی از شهرهای جدید مانند اندیشه تهران با ۷۳/۸ درصد جمعیت‌پذیری و پرند با ۲۱/۴ درصد در تهران و پولاد شهر با ۱۸/۵ درصد در اصفهان و تا حدودی هشتگرد و پردیس در تهران، بقیه این شهرها با مشکل جذب جمعیت روبه‌رو بوده‌اند و حتی هنوز ۱۰ درصد جمعیت پیش‌بینی شده، در این شهرها مستقر نگردیده‌اند.

از مهم‌ترین دلایل بروز این وضعیت را می‌توان در نبود یکپارچگی قومی و تفاهم اجتماعی، فقدان خاطرات جمعی و احساس وطنی و نبود محله و مرکز محله برای القای هویت شهری دانست که کم‌تر، علاقه‌مندی شهروندان را به خود جلب نموده است. دولت، در سندهای توسعه شهری در طراحی شهرهای جدید، هیچ‌گونه نقش و عملکردی برای این شهرها در نظام سلسله مراتب شهری تعریف نکرده است.

تعداد بسیار زیاد شهرهای جدید در پیرامون شهرهای بزرگ که گاهی نتیجه تبدیل روستاها به شهر جدید است، این پرسش را مطرح می‌کند که اساساً چه ضرورتی برای تشکیل این شهرها وجود داشته است و آیا همان روستاها نمی‌توانستند وظایف شهرهای جدید را به انجام رسانند؟

به‌علاوه، فقدان اشتغال در این شهرها و زیرساخت‌های حمل و نقل نامناسب، و نیز خدمات آموزشی و بهداشتی و... از جمله مشکلاتی است که این شهرها را تنها به خوابگاه مهاجران و محله‌های مسکونی و کوی‌های سازمانی مبدل ساخته است.

در واقع، احداث شهرهای جدید در کشور را در بعد از انقلاب اسلامی، می‌توان تصمیمی با پشتوانه کارشناسی ضعیف ارزیابی کرد؛ به طوری که اهداف در نظر گرفته‌شده برای احداث این شهرها با آن‌چه در عمل اتفاق افتاده است تفاوت بسیاری دارد. شهرهای جدید قبل از انقلاب، غالباً در کنار فعالیت‌های اقتصادی هم‌چون صنایع مادر و پالایشگاه‌های بزرگ نفتی و یا پایگاه‌های نظامی احداث می‌شد. در آن دوران زمینه تأسیس و فلسفه وجودی تأسیس شهرها، مقدم بر ایجاد خود شهرها بود. آن‌چه در مورد شهرهای جدید، پس از انقلاب، رخ داده، نقطه مقابل آن بوده است. بنابراین، باید مجموعه‌ای متنوع از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و طبیعی را در عدم جمعیت‌پذیری شهرهای جدید در سالیان اخیر، دخیل دانست.

بر این مبنا، رؤس بایسته‌های سیاست‌گذاری و اجرایی مدیریت شهرسازی‌های جدید کشور را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

- در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری، دولت باید به همان اندازه که به عوامل فیزیکی و اقتصادی بها می‌دهد به عوامل اجتماعی و فرهنگی و به نقش مردم به عنوان افراد ذی‌نفع بها دهد.
- مجریان، از تصمیم‌گیری به جای مصرف‌کنندگان و بهره‌مندان خودداری کنند، یا تصمیم‌های خود را به عنوان تولیدکننده، بر مردمی که مصرف‌کننده تلقی می‌گردند، تحمیل نمایند.
- لازم است دولت قبل از شهرسازی، کلیه عوامل و ملاحظات طبیعی را در مکان‌گزینی شهرهای جدید به طور دقیق از طریق مطالعات گسترده و کارشناسان خبره مورد مذاقه و بررسی قرار دهد تا از آسیب‌ها و زیان‌های بعدی پیشگیری گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. New Towns
2. Refarmism
3. Utopia
4. Ebenezer Howard
5. Garden City
6. Harvey Parloff

فهرست منابع و مراجع

۱. ابراهیم زاده، عیسی و محمد نگهبان مروی (۱۳۸۳)، «تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵.
۲. اسفندیاری، منصور (۱۳۷۲)، «شهرهای جدید و افزایش قابلیت شهرهای کنونی»، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی (جلد دوم)، شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، اصفهان.
۳. اطهری، کمال (۱۳۶۹)، «راهبردهای توسعه، راهبردهای شهرسازی و شهرهای جدید»، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، شرکت عمران شهرهای جدید چاپ اول.
۴. پیران، پرویز (۱۳۶۹)، توسعه برونزا و شهر، چاپ اول، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
۵. دومیشل، آندره و پی-یر لالومی (۱۳۷۶)، حقوق عمومی، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، نشر دادگستر، تهران.
۶. رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۳)، «دولت و شهرنشینی نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲.
۷. رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۰)، بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران، جلد دوم، نشر چشمه، تهران.
۸. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۷)، برنامه‌ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت، تهران.
۹. کلاتری، حسین (۱۳۸۵)، مکان‌گزینی ایجاد شهرهای جدید در حوزه کلان‌شهر تهران با تکیه بر توان طبیعی، مورد کاوی شهرهای اندیشه، پرنده و هشتگرد، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۰. مالیس، پ. (۱۳۵۳)، «برنامه‌ریزی فیزیکی برای توسعه شهرهای جدید»، ترجمه اصغر ارجمندنیا، نشریه هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۱۱۲.
۱۱. مروجی، دنیا و ناصر مشهدی‌زاده (۱۳۷۵)، «گذری بر تاریخ شهرسازی ایران در دوره جدید از نوسازی و بهسازی شهرها تا ایجاد شهرهای جدید»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (جلد چهارم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، تهران.
۱۲. نوری نائینی، محمد سعید (۱۳۷۱)، «استراتژی‌های توسعه»، مجله اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، سال اول، شماره ۱.
۱۳. وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۹)، شرکت عمران شهرهای جدید، عملکرد شهرهای جدید.
۱۴. وزارت مسکن و شهرسازی (بی‌تا)، طرح شهرک‌های اقماری.
15. American Institution of Arehetecture(1973), **The Design and Development Process, New towns in America**, America.
16. Dela Griox, Horst(1972), **Mihitary Consideration in City planning**, George Braziller, New York.
17. Doxiadis Associates(1965), "Islamabad, the creation of New Capital", **Town planning Review**, vol, I, No, 1.
18. Galantay, Frving(1975), **New Town, Antiquity To the Present**, George Braziller, New York.
19. Golany, Gideon(1979), **International urban policies**,